



فیلم "محمد رسول الله" به کارگردانی مجید مجیدی، از کارگردانان بنام و بزرگ سینمای ایران، اولین اثر جدی ایرانی درباره پیامبر اکرم (ص) و یکی از بزرگترین و پرهزینهترین فیلمهای تاریخ سینمای ایران است. گفتنی است از بین ده فیلم معرفی شده به جشنواره اسکار ۲۰۱۶، "محمد رسول الله" توانست به عنوان نماینده ایران انتخاب شود و سی و نهمین جشنواره جهانی فیلم مونترال نیز با این فیلم افتتاح شد. تیم سازنده فیلم از چهره‌های مطرح و حرفه‌ای در سطح جهانی بهره برده است که برای نمونه می‌توان ویتوریو استرارو فیلمبردار و برنده سه جایزه اسکار و همچنین ای. آر. رحمان آهنگساز و برنده یک جایزه اسکار را نام برد. این فیلم پس از هفت سال تلاش بی وقفه، بالاخره اوایل شهریور امسال بر پرده نقره‌ای به اکران درآمد.

مجیدی در گفتگو با مطبوعات گفته است که ایده ساخت فیلم پس از توهین کاریکاتوریست دانمارکی به پیامبر (ص) در ذهنش شکل گرفته است. او بر این عقیده است که اعراب در نمایش چهره بحق و مناسب از اسلام موفق نبوده اند و یکی از مهمترین اهداف او و گروهش از ساخت چنین فیلمی ارائه قرائتی درست از اسلام بوده است. بیشتر قسمتهای فیلم پیش از تولد پیامبر تا ۱۲ سالگی ایشان را به تصویر می کشد. (به جز چند بخش کوتاه که بیش از ۵۰ سالگی پیامبر (ص) را نشان داده است) نمایش این برهه از زندگی پیامبر (ص) باعث می شود بیننده کودکی با معجزات و کرامات فراوان ببیند که هنوز نه به دنیای بزرگسالی پا گذاشته و نه مسئولیتی در قبال اعمال و گفتار خود در برابر دیگران دارد. به بیان دیگر تصمیمات، کرامات، شجاعتها، اعمال و در کل سیره عملی پیامبر (ص) را که بیشتر از معجزات کودکی ایشان مورد نیاز ذائقه حقیقت جوی جامعه اسلامی است، در سنین جوانی، میانسالی و کهنسالی آن حضرت می توان جستجو کرد.

این فیلم به دلیل استفاده از افراد خبره در تیم پشت صحنه، از نظر فنی از نقاط مثبت زیادی برخوردار است که پروژه‌ای اینچنین عظیم را از سطح سینمای ایران بالاتر برده است. اما در بخش فیلمنامه و شخصیت پردازی اشکالات زیادی به کار مجید مجیدی و کامبوزیا پرتوی وارد است که سطح یک فیلم ابرتولید و جهانی را حتی به توليدات متوسط داخلی تنزل می دهد. نبود انسجام در فیلمنامه و داستان واحدی که رویدادها را به هم وصل کند، باعث شده تا فیلم تبدیل به مجموعه ای از اپیزودهای نامرتب شود که صرفا برای روایت رویدادها به کار گرفته شده اند. شخصیت ها نیز به خوبی پرداخته و معرفی نشده اند. برای مثال آمنه که شخصیتی کلیشه ای و فرشته گونه دارد که در بحرانیترین و سختترین شرایط همچنان لبخند بر لب دارد. یا فردی یهودی به نام ساموئل که بیش از دو ساعت شخصیتی ضد اسلام و محمد (ص) دارد و با رفتاری وحشیانه در جستجوی پیامبر نوظهور است تا او را به قتل برساند. اما به ناگهان در پایان فیلم او را شخصی منصف و طرفدار پیامبر اسلام (ص) می یابیم بدون آنکه ادله‌های رایج در داستان پردازی و شخصیت پردازی رعایت شده باشد. اشکال دیگری که به فیلم وارد است نشان دادن معجزاتی از پیامبر است که ایشان را بیشتر موجودی ماورایی جلوه می دهد تا شخصیتی ملموس که بتوان از تدبیر و سیره زندگی‌اش اسوه ساخت. فیلم از نکات منفی و مثبت دیگری نیز برخوردار است که در اینجا مجال پرداخت به آن نیست. امید آنکه با داشتن نگاهی تیزبینانه به آثاری اینچنین بتوانیم شاهد پیشرفتهای فنی و محتوایی آثار بعدی باشیم که قابل معرفی در سطح جهانی نیز باشند.

